

مبانی نهضت عاشورا

در قرآن



عصمت یزدی

مقدمه

درباره نقش قیام امام حسین (ع) در رخداد کربلا گرچه کتابهای متعددی نوشته شده است اما درباره مبانی قرآنی این قیام کمتر تألیف مستقلی وجود دارد. هدف در این نوشتار، صرفاً بیان یک واقعه تاریخی و شرح حال و توصیف زندگی امام حسین (ع) یا تحلیل شخصیت ایشان نیست، بلکه کوششی است مختصر بر این که امام حسین (ع) قرآن را با روح، عمل، جسم و خون خود ترجمه کرد. امام حسین (ع) با شناخت و آگاهی عمیقی که در دامان رسول اکرم (ص) و تحت تربیت والدینی همچون حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) با قرآن پیدا کرد، نشان داد که به راستی الگوهای عملی، ارزش‌های متعالی قرآن می‌باشد. امام حسین (ع) که تار و پود ایمانش را از آیات قرآن بافته بود، با قیام خود نهضتی را به وجود آورد که اسلام واقعی و ارزش‌های فراموش شده آن را برای همه نسلها به نمایش گذاشت. زاویه‌ای که در حال حاضر در دایره دید ما قرار گرفته است و ضرورت پرداختن به آن احساس می‌شود، کشف و بیان اصول، قواعد ثابت، منطق قوی، مستحکم و مبادی روشن نهضت حسینی است، که اشراف بر آنها وظیفه هر دیندار پاک نهادی است. در راستای این نگاه است که به بررسی سخنان و خطبه‌های امام حسین (ع) خطاب به

دوست و دشمن در مسیر از مدینه تا مکه و از مکه تا کوفه و کربلا می پردازیم تا علاوه بر آشنایی با روح شجاعت، شهامت و شخصیت معنوی و ذات عاطفی و انسانی آن امام همام، اصول و مبانی قرآنی که زیر بنای بخشی از علل و انگیزه قیام جاودانه اش می باشد مشخص و روشن شود و شاید به تعبیر قرآن به «بصیرت» دست یابیم.

با مروری سریع بر منابع، روشن شد که دلایل قرآنی قیام امام حسین (ع) بسیار است که بعضی از آنها موارد زیر می باشند:

استنکاف امام حسین (ع) از بیعت با یزید بن معاویه
آزادگی در قرآن و در قیام امام حسین (ع)، آزادی و آزادگی
پاسداری از سنت و مبارزه با بدعت
پیروی از سیره رسول الله (ص) و حضرت علی بن ابی طالب (ع)
امر به معروف و نهی از منکر
جهاد ابتدایی یا مقاومت و دفاع
پاسداری از عزت و نفی ذلت
اقامه عدل

هر یک از موارد فوق در ارتباط و برگرفته از آیات، روایات، منابع و اسناد تاریخی هستند و تحت بررسی قرار گرفته اند.

استنکاف از بیعت

در رابطه با عدم بیعت امام حسین (ع) با یزید می توان گفت که اصولاً قیام امام حسین (ع) با استنکاف از بیعت آغاز شد. بیعت در قرآن دارای دو وجه است؛ یکی اطاعت و فرمانبرداری از خدا و رسول خدا که وجه ایجابی بیعت اند و در آیات ۱۰ و ۱۸ سوره فتح به عنوان مسئله بیعت با رسول خدا (ص) عنوان شده است. وجه دوم سلبی می باشد که دستور به عدم بیعت با کافران و منافقان و عدم پیروی از آنها است. و لذا امتناع امام حسین (ع) از بیعت با یزید مبتنی بر این دستور خداوند است که می فرماید:

ولا تطع الكافرين والمنافقين ودع اذاهم وتوکل علی الله وكفی بالله وکیلاً (احزاب، ۳۳/ ۴۸)؛ از کافران و دورویان اطاعت نکن و به آزارشان بی توجه باش و بر خدا توکل کن که

خدا به عنوان کارساز کافی است .

درباره کفر یزید دلایل و شواهد زیادی وجود دارد که بر اساس آنها امام حسین(ع) بیعت با یزید را نپذیرفتند و فرمودند :
و علی الاسلام السلام إذا بلیت الأمة براع مثل یزید...؛ اگر امت اسلامی به سرپرستی و زمامداری مثل یزید گرفتار شود باید فاتحه اسلام را خواند .

آزادی و آزادگی

اصل آزادگی و حریت یکی از اصول برنامه های خاتم انبیاء(ص) بود که این اصل در سوره اعراف آیه ۱۵۷ چنین آمده است نَویضِع عَنْهُمْ اِصْرَهُمْ وَالأَغْلَالَ الَّتِی کَانَتْ عَلَیْهِمْ . رسالت همه پیام آوران الهی این بوده که آدمی را به آزادی حقیقی (حریت) و از بندگی غیرخدا آزاد ساخته و به بندگی خدا برسانند . لذا انسان به هر میزانی که «عبد» شود «حر» می شود .
هواها و هوسها هستند که موجب نفی آزادی درونی انسان می شوند و از درون انسان را به بند می کشند انسانی که از درون به بند کشیده شد ، نمی تواند از موهبت آزادی های برونی بهره مند شود .
امیرمؤمنان علی(ع) می فرمایند : «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک اللّٰه حراً» و «الحر حر و ان مسه الضر» .

یکی از ابعاد زیبا و جاودانه واقعه کربلا روح آزادگی و رفتار آزادمنشانه امام حسین(ع) است ، فراز این آزادگی امام تا به آنجا است که از «مرگ» نمی هراسد و به عبارتی از مرگ هم آزاد است :

خط الموت علی ولد آدم مَحْطُ القلادة علی جید الفتادة و ما اولهن لهنی الی اسلافی
اشتیاق یعقوب الی یوسف ؛ مرگ بر آن ها لازم افتاده همانند گردنبند که لازمه گردن دختران است و من به دیدار نیاکانم آنچنان اشتیاق دارم مانند اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف .
روز عاشورا امام حسین(ع) ، وقتی هجوم نابخردان بی وجدان دشمن را بر خیمه ها و خانواده های بی پناه مشاهده کرد ، در حالی که به سختی نیم خیز شده بود فریاد برآورد :
ویلکم یا شیعه آل ابی سفیان ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا
احراراً فی دنیاکم ؛ ای پیروان خاندان ابی سفیان اگر دین ندارید و از روز رستاخیز

نمی هراسید، در زندگی دنیاتان آزاده باشید.

این سخن امام حسین^(ع) یک پیام عمومی و یک منشور جهانی است از قتلگاه کربلا، به همه جهانیان و در همه زمانها، که آزادی و آزادی خواهی مقدم بر دین داری است. لازمه انسانیت، چه دیندار و چه بی دین، آزاده بودن است.

پاسداری از سنت

مورد دیگر از ابعاد قیام امام حسین^(ع) پاسداری از سنت و مبارزه با بدعت است. قرآن کریم درباره الگو و اسوه بودن رسول خدا^(ص) می فرماید:

«لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة» (احزاب آیه، ۲۱/۳۳)؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست. این آیه قرآن کریم جایگاه رفیعی برای پیامبر گرامی در میان مسلمانان موجب شده است و مسلمانان سیره یا سنت رسول خدا^(ص) را به عنوان یک الگو و اسوه نیکو پیروی کرده و می کنند.

در فرازی از نامه امام حسین^(ع) به سران قبایل بصره به روشنی چنین آمده است:

...أنا أدعوكم إلى كتاب الله و سنة نبيه فان السنة قد اميتت و البدعة قد احيت؛ ...من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می کنم. همانا سنت پیامبر رو به نابودی گذاشته است و بدعت زنده شده است.

حسین بن علی^(ع) در نخستین خطبه خود در سرزمین کربلا نقطه عزیمت حرکت رهایی بخش خویش را بر دفاع از «حق» و ایستادگی در مقابل «باطل» می داند:

ألا ترون أن الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهى عنه؛ آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل دوری به عمل نمی آید؟

پیامبر^(ص) در مورد ظهور بدعت در جامعه چنین فرموده اند:

إذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه و الافعلية لعنة الله؛ چون بدعت ها در امت من آشکار شوند، باید عالم علم خود را آشکار کند و هر کس چنین نکند لعنت خدا بر او باد.

امام حسین^(ع) طبق این سند خود را مسئول حفظ دین و امت اسلام از خطر سقوط می دانست. در زمان معاویه، بدعت هایی در بعد سیاسی، اجتماعی، تفکر دینی و اقتصادی

به وجود آمد. از جمله این بدعت‌ها، تبدیل خلافت به سلطنت و از کارهای خلاف دیگر او سب و لعن حضرت علی^(ع) در مساجد و منابر بود. افرادی که حاضر به لعن امام علی^(ع) نبودند به دست جلادان سپرده می‌شدند. معاویه برای تغییر نگرش و ذهنیت و تفکر دینی مردم، نظریه پردازان زمان خود را خرید و به این ترتیب دو گروه در میان متکلمین به نام مرجئه و جبریون به وجود آمدند تا اعمال و رفتار بنی امیه را توجیه کنند. این وضعیتی بود که امام حسین^(ع) به شدت از آن ابراز نگرانی می‌کرد و هیچ راهی برای شکست این جریان و قطع این روند جز ایستادگی و مقاومت در مقابل این روند انحرافی و پذیرش شهادت وجود نداشت تا سنت احیا شود و روند مبارزه با بدعت، جان لازم و تازه‌ای بگیرد.

پیروی از سیره پیامبر

امام حسین^(ع) در وصیت نامه خود فرموده‌اند که: «اسیر بسیره جدی و ابی»؛ من به راه و روش جدم و پدرم حرکت می‌کنم. زندگی امام حسین^(ع) بر اساس سیره جد بزرگوارش رسول الله و پدر ارجمندش علی بن ابی طالب^(ع) شکل گرفته است. از این رو یکی از راههای شناخت شخصیت امام حسین^(ع) فهم سیره رسول الله است و در این مقال تاکنون فقط گوشه‌هایی از آن به صورت اجمال آمده است.

امر به معروف و نهی از منکر

بعد دیگر قیام امام حسین^(ع) در وصیت نامه تاریخی ایشان منعکس شده است که می‌فرماید:

«أريد أن أمر بالمعروف و النهی عن المنکر»

این دو فریضه از اساسی‌ترین دستورات اسلامی است که در قرآن کریم و روایات شریفه بر آن تأکید فراوان شده است. از جمله آیاتی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، آیه ۱۰۴ سوره آل عمران می‌باشد: ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر وأولئك هم المفلحون؛ و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند. در آیه فوق «امت» به معنی کل جامعه اسلامی نیست. بلکه منظور این است در جامعه

اسلامی، می باید گروهی از مسلمانان (نخبگان) به عنوان یک وظیفه اجتماعی مسئولیت نظارت دائم بر جامعه را بر عهده گیرند.

یکی از مصادیق «خیر» با توجه به آیه قبل: **واعتصموا بحبل اللّٰه جمیعا ولا تفرّقوا** (آل عمران آیه، ۱۰۳/۳) اتحاد و اتفاق مسلمین می باشد.

بنابراین در میان جامعه باید جمعیتی باشد که همیشه مسلمین را دعوت به وحدت و اتحاد کند و با تفرقه‌ها و افتراق‌هایی که میان مسلمین هست مبارزه کند.

این دو فریضه در حکم روح و جان و ارزشهای جامعه ایمانی محسوب می شوند که با تعطیلی آنها تمام احکام و اصول اخلاقی ارزش خود را از دست می دهند.

امام علی (ع) درباره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می فرمایند:

وما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل اللّٰه عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر

الاکنفثة فی بحر لّٰجی؛ تمام کارهای خیر و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به

معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای بی کران.

امام حسین (ع) بارها و بارها هدف خود را از این قیام بزرگ تاریخی بیان کرده و چنین

اظهار داشته که برای اصلاح امت جدش و برای اجرای دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر قیام کرده است.

در آیات متعدد قرآنی و نیز احادیث متواتر نبوی از رسول اکرم (ص) به اثبات رسیده

است که جهاد در مقابل ستم و تجاوز و فساد در زمین امری واجب است. زیرا جهاد

ضامن بقای اسلام و حیات دین و استقرار امنیت است. به این دلیل امام حسین (ع) به امر

خدا: **جاهدوا فی اللّٰه حق جهاده؛ و به فرمان رسولش قیام کرد.**

مقاومت و دفاع

قرآن کریم جهاد را برای مبارزه با انحرافات و نه به عنوان کسب قدرت تشریح کرده

است. در حقیقت جهاد دفاع و مقاومت در برابر ظلم که نوعی تهاجم است، می باشد.

وقاتلوا فی سبیل اللّٰه الذّٰین یقاتلونکم ولا تعدوا إنّ اللّٰه لا یحبّ المعتدین (بقره، ۲/

۱۹۰)؛ در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، بجنگید ولی از اندازه در نگذرد، زیرا

خداوند تجاوزکاران را دوست نمی دارد.

قرآن کریم موانع بازدارنده جهاد را در سوره توبه آیه ۲۴ چنین بیان می کند:

قل إن كان آباؤكم وأبناؤكم وإخوانكم وأزواجكم وعشيرتكم وأموال اقتموها وتجارة
تخشون كسادهها ومساكن ترضونها أحب إليكم من الله ورسوله وجهاد في سبيله فترتبصوا حتى
يأتى الله بأمره والله لا يهدى القوم الفاسقين؛ بگو: اگر پدران و پسران و برادران و زنان و
خاندان شما و اموالی که گرد آورده اید و تجارتی که از کسادهش بیمناکید و سراهایی را که
خوش می دارید نزد شما از خداوند و پیامبرش و جهاد در راه خدا دوست داشتنی تر است،
پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را به اجرا در آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی کند.
امام حسین^(ع) با توجه به این آیه از تمام علایق دنیا و همسر و فرزند برید و جهاد وی
به طور کامل و خالص برای خدا بود. که نتیجه چنین جهاد و کارزاری در قرآن به عنوان
«فوز عظیم» بیان شده است.

پاسداری از عزت و نفی ذلت

عزت از مهم ترین و بنیادی ترین امور اسلام است. عزت حالتی است که انسان را
مقاوم و شکست ناپذیر می سازد. اگر انسان به عزت الهی عزیز شود، در برابر باطل و گناه
نفوذناپذیر گشته و در برابر حق محکم و استوار می شود. امام حسین^(ع) گشاینده مکتبی
است که تعلیم می دهد باید در راه اهداف الهی تا سرحد مرگ پیش رفت و مرگ در این
راه، عزت و سربلندی و حیات جاودانه است. از امام حسین^(ع) قبل از واقعه عاشورا نقل
شده است که چنین فرموده اند: «موت فی عزّ خیر من حیاة فی ذلّ؛ در روز عاشورا نیز این
فریاد معروف خود را به گوش جهانیان رساندند: این فرومایه (عبیدالله زیاد) مرا بین دو امر
مخیر کرده: کشته شدن و یاذلت. هیهات منا الذله».

قیام امام حسین^(ع) و یاران صدیق او که الگوی مبارزه حق طلبانه همه آزادی خواهان
جهان بوده است تفسیر و تجلی این آموزه الهی است که: ولله العزة ولرسوله
وللمؤمنین (منافقون، ۶۳/۸).

اقامه عدل

یکی دیگر از اهداف قیام تاریخی عاشورا اصلاح وضع جامعه مسلمین و برقراری

قسط و عدل بوده است. قرآن کریم در آیاتی اهداف ارسال پیامبران را اقامه قسط و عدل بیان می کند.

لقد أرسلنا رسلنا بالبينات وأنزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط وأنزلنا الحديد فيه بأس شديد ومنافع للناس وليعلم الله من ينصره ورسله بالغيب إن الله قوي عزيز (حديد، ۵۷/۲۵)؛ به راستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.

اهمیت اجرای عدالت در جامعه تا آنجاست که پیامبر (ص) می فرماید :

الملك يبقى مع الكفر ولا يبقى مع الظلم

بنابراین حکومتی می تواند برپا بماند که نظام حاکمیت آن بر اساس عدالت باشد. و در این ارتباط پیامبر باز فرموده اند :

خوارترین مردم در نزد خدا کسی است که به سرپرستی مسلمانان دست یابد و در میان ایشان عدالت را اجرا نکند.

امام حسین (ع) در انتهای نامه ای که در جواب کوفیان نوشته اند اوصاف امام و پیشوارا چنین بیان می فرماید :

فلعمري ما الامام الا الحاكم بالكتاب، القائم بالقسط، الدائن بدين الحق، الحابس نفسه على ذات الله، والسّلام؛ امام کسی است که مطابق قرآن عمل کند و به پا بایستد برای این که حق هر فرد انسانی را به او برساند و (هیچ تبعیضی بین مردم نباشد و هر کسی در اجتماع جایگاه و مسئولیت خود را داشته باشد) از راه مستقیم دیانت منحرف نگشته و این کارها را برای رضای خدا انجام دهد.

بنابراین روح کلی سخنان امام حسین (ع)، برگرفته از آموزه های قرآنی، بر این محور قرار دارد که عدالت روح جامعه است و یک ملت جز در پرتو عدالت همه جانبه نمی تواند پایدار بماند. با مرگ عدالت، مرگ جامعه حتمی است و آن زمانی است که زمامداران جامعه که خود باید پاسدار فضیلت و عدالت بوده باشند، بسوی ظلم و فساد منحرف شوند. رسالت جداسازی حق از باطل و عدل از ظلم، همواره رسالتی عظیم است و عاشورای حسینی تجلی تمام نمای این رسالت خطیر الهی است.